

روسانه رادیو و تلویزیون جام‌جم

خبر

رایعه مدنی و خسرواحمدی

جلوی دوربین «خوشنام» هارفتند

سریال «خوشنام» به تهیه‌کنندگی احمد زالی و کارگردانی علیرضا نجف‌زاده که توسط محسن کیایی فیلمنامه اولیه‌اش نگارش شد و فهیمه سلیمانی آن را برای گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما می‌نویسد تصویربرداری آن با بازیگران جدید ادامه پیدا می‌کند.

به گزارش جام‌جم، سریال خوشنام این روزها در لوکیشن قهوه‌خانه، گاراژ، کارواش، بیمارستان و چند لوکیشن خارجی در شرق تهران، سعادت‌آباد و ... ادامه دارد.



احمد زالی، تهیه‌کننده این سریال تلویزیونی گفت: فیلمنامه کماکان درحال نگارش است و قطعاً با پیشرفت داستان بازیگران دیگری نیز به سریال اضافه خواهند شد.

تهیه‌کننده سریال «پادآوری» افزود: با توجه به تعداد لوکیشن‌ها و فضای متنوع روایت قصه براساس فیلمنامه برنامه‌ریزی‌های تولید اتفاق می‌افتد و به‌زودی مجدداً تصویربرداری در خانه اوستا شفیع (حمید لولایی) واقع در حوالی میدان قیام با حضور خانواده سریال خوشنام پیش خواهد رفت. احمد زالی و امیر اکبرارایعه مدنی، خسرو احمدی، ساناز سماواتی و کریم قربانی هم جلوی دوربین علیرضا نجف‌زاده رفتند. در خلاصه داستان این سریال می‌خوانیم: از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو. حمید لولایی، هومن حاجی‌عبداللهی، عباس جمشیدی‌فر، شهره لرستانی، فریده سیاه‌منصور، سحر ولدبیگی و امیر کرلایی‌زاده از بازیگران این مجموعه هستند.

معرفی مهم‌ترین زیست‌بوم‌های جهان در «چهار سوی علم»

مجموعه مستند جدید سه قسمتی «عصر طبیعت» تا دوشنبه، از شبکه چهار سیما پخش می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، مجموعه مستند جدید سه قسمتی «عصر طبیعت» تولید سال ۲۰۲۰ شرکت PBS، از شنبه تا دوشنبه، ۱۷ آبان، هر شب ساعت ۲۲ در قالب برنامه چهارسوی علم از شبکه چهار سیما پخش می‌شود. این مجموعه مستند با روایت اوما تورمن، بازیگر سرشناس سینما، بر بازسازی اکوسیستم‌های به خطر افتاده در چهار قاره جهان متمرکز شده و در هر قسمت با رویکرد امیدبخش، نمونه‌هایی را در کشورهای پاناما، موزامبیک، چین، اسکاتلند، بوتان ... نشان می‌دهد که خدالت‌های درست انسان توانسته از آسیب‌های بیشتر به محیط‌زیست بگاهد و زیست‌بوم‌های مهمی را احیا کند. بازسازی چرخه طبیعت در پاناما، نجات اورکاهای در معرض انقراض و نگاهی به زیست‌بوم طبیعی در بوتان و موفقیت مردم بوتان در بازسازی چرخه زیست‌محیطی منطقه موضوعات اپیزودهای این مجموعه مستند سه قسمتی است که به آنها پرداخته می‌شود.

قدردانی از عملکرد شبکه آفتاب هنگام بروز نقص فنی در سامانه هوشمند سوخت

مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه استان مرکزی از مدیرکل محترم شبکه آفتاب به منظور اطلاع‌رسانی دقیق هنگام بروز نقص فنی در سامانه هوشمند سوخت کشور قدردانی کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، مهندس جمشیدی، مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه استان مرکزی در سپاس‌نامه‌ای از زحمات، تلاش و پیگیری‌های مستمر مدیرکل مرکز و مجموعه پرتلاش رسانه استانی در امر اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به جامعه مخاطب و ایجاد آرامش در بین مردم استان تشکر کرد.

وی از حضور میدانی، تصویربرداری از جایگاه‌های عرضه سوخت در سطح استان، تهیه و تدوین گزارش‌های متعدد خبری، مصاحبه بامسئولان امر و مراجعین به جایگاه‌ها و نیز پخش گزارش‌های خبری تدوین شده به صورت مستمر و انتشار آنها در فضای مجازی، به‌ویژه در ساعات اولیه بروز نقص فنی در سامانه هوشمند سوخت کشور قدردانی کرد.



«پرانتز باز» با مخاطبان فیلم و تئاتر می‌بیند

تهیه‌کننده «پرانتز باز» درباره فعالیت‌های این برنامه رادیویی بیان کرد عوامل این برنامه با همراهی مخاطبان به دیدن فیلم و تئاتر می‌روند. مارال دوستی، تهیه‌کننده و سردبیر برنامه پرانترز باز که از رادیو نمایش پخش می‌شود درباره شروع تعامل بیشتر با مخاطبان در قالب گعده‌های هنری گفت: پرانترز باز با نوعی محبوبیت از

پرهیز از پایان ولنکارانه

«هنرمندان باید این توانایی را داشته باشند که وقتی موضوعی را در کارشان مطالبه‌گری می‌کنند در پایان هنرمندانه و درست ببندند تا امیدبخشی شکل بگیرد.» این بخشی از اظهارنظر رئیس رسانه ملی در بازدید حضوری از مجموعه‌های در حال تولید سیماست. او در این بیان ضمن اشاره به پایان‌بندی منطقی و ظریف آثار نمایشی تاکید کرد که پرونده هر موضوعی که باز شود باید در انتهای قصه بسته شود. به این صورت که اگر معضلی در طول سریال به تصویر کشیده‌شده با راهکاری برای مرتفع‌سازی آن همراه است؛ در غیر این صورت کام مخاطب صرفاً با دیدن سیاه‌های تلخ می‌شود. به گفته دکتر جلیلی اینجاست که می‌شود مرز سیاه‌نمایی با طرح‌کردن مطالبات جامعه در یک اثر نمایشی را تمیز داد.

فریدون فرهودی، مدرس فیلمنامه‌نویسی، نویسنده و کارگردان است که روی گونه های مختلف اجتماعی دست گذاشته و فیلم و سریال های بسیاری ازجمله سریال «دردسر والدین»، «آرام می‌گیریم»، «جاده»، «یکی از این روزها» و سینمایی «دختری با کفش های کتانی» را

ساخته یا به نگارش درآورده است. وی درباره رفتن برخی سریال‌ها به سمت پایان‌بندی باز و غیرمنطقی به ما می‌گوید: اگر بخواهند برای اثر نمایشی پایان بسته تعریف کنند، پاسخ حل مشکل را هم می‌گویند؛ حال آنکه در داستان نمایشی مشکل بازشده و دلایل مشکل شکافته می‌شود اما این‌که در پایان داستان چکار باید کرد باید کارشناسی شود. یعنی آدم‌های کارشناسی که برای تعیین تکلیف و برای تصمیم‌گیری دیصالح هستند.

فرهودی همچنین ادامه می‌دهد: نکته بعدی این‌که سریال‌ها یا تلویزیونی‌ها نباید نام بازی یا ساختار دراماتیک دارند. در ساختار دراماتیک مخاطب می‌تواند انتظار پایان قطعی بسته داشته باشد اما وقتی با یک ساختار بیوگرافی کار می‌شود که موقعیت‌های نمایش کوتاه بوده و به



پایان‌های بجا + مرور کوتاه

در این سال‌ها سریال‌های بسیاری داشتیم که مطالبات اجتماعی را بیان کردند و با یک پایان‌بندی خوب و در چارچوب عقل موفق شدند حتی به فصول بعدی هم برسند. این تدبیر سبب می‌شود مخاطب با احساس خشنودی پس از تماشای یک نمایش هنری از جای برخیزد و برای راهی که با قصه و شخصیت‌های آن طی کرده است، نقطه پایانی ببیند. پایان‌بندی بجا مخاطبان را از حس «رفتن به لب چشمه و تشنه بازگشتن» دور می‌کند. در این خصوص نگاهی به برخی از پایان‌بندی‌های موفق و ناموفق سریال‌های تلویزیونی داشتیم که بعضی نام باز را با خود یک می‌کشیدند و برخی بسته و صرف باز و بسته بودن آنها دلیل موفقیت یا موفق نبودنشان نیست. آنچه توفیق حاصل می‌کنند، پیروی از اسلوب حرفه‌ای و انتخاب بجای این نوع پایان‌بندی‌هاست. برای این موضوع، نظارت بر شکل‌گیری فیلمنامه‌ها باید به پایان آن هم تسری پیدا کند و در مرحله پیش‌تولید نتیجه تا حد زیادی مشخص باشد. این به معنی گسترش ممیزی‌ها نیست، بلکه مقصود از به‌کارگیری چنین راهکاری پایان دادن به معضل نسبتاً همیشگی کامل نبودن فیلمنامه پیش از شروع تصویربرداری و تمام کردن آن از روی اضطراب و در محدودیت زمانی است. چنین مشکلی به‌ویژه دامنگیر سریال‌های مناسبتی است که عموماً به دلیل همین محدودیت زمانی دچار پایان‌بندی‌های هیجانی و دور از منطق می‌شوند. نگاه به کارنامه تلویزیون در زمینه سریال نمایشی، به آثار متفاوتی از حیث کیفیت پایان‌بندی می‌رسیم، برخی با سرانجامی درخور مخاطب راضی کردند و برخی دیگر قصه را بدون انتهایی دلچسپ به امان خدا سپردند یا پایانی را به تصویر کشیدند که چندان سختی یا قصه نداشت و آورده‌ای را هم برای تماشای این قصه سریالی نصیب مخاطبان خود نکرد.

برای نمونه «آوای باران» سریالی که سال‌ها پیش روی آنتن رفت، قصه‌ای از معضلات اجتماعی را به تصویر کشید و اتفاقاً پایانی بسته را برای انتهای این روایت برگزید اما پایان بسته آن هم ساده‌انگاره شخصیت‌های بد قصه را به ذاتی دچار کرد که پیش از این برای آدم خوب‌ها ترتیب داده بودند. «بوی باران» سریال دیگری بود که با وجود بیان معضلات اجتماعی و داستاتک‌های مختلف که در سرگرم‌سازی مخاطبان نقش خوبی بازی می‌کرد، نتوانست روایت‌های متعدّدش را به سرانجام رضایت‌بخشی برساند و آنچه‌ان که در تاکیدات آمده است، باری از مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بردارد. از نمونه‌های موفق در پایان‌بندی هم می‌توان به سریال‌های در دسرهای عظیم به‌ویژه در سری اول یا پایتخت در بیشتر فصول خود، منهای فصل شش اشاره کرد.



بهروز مفید ازجمله تهیه‌کنندگانی است که سال‌هاست در تلویزیون سریال‌های اجتماعی پرمخاطبی ازجمله محکومین، هشت و نیم دقیقه، در کنار پروانه‌ها و بیگانه‌ای با من است را تهیه کرده و به نوعی دغدغه تهیه چنین آثاری را برای مخاطبان تلویزیون دارد. وی در این باره

گذشته به حال آمد. این برنامه شش سال نبود و حالا با همان نام بازگشتم تا از این برند به نفع سینما و هنر و فرهنگ استفاده کنیم. تهیه‌کننده «پرانترز باز» با اشاره به تماشای تئاتر و رفتن به سینما در قالب برنامه اظهار کرد: ما در این برنامه قصد داریم واقعا فرهنگ‌سازی کنیم و دیدیم اگر صرفاً بگوییم به سینما و مکان‌های



سریال پیکانه‌ای با من است

نحوی پایان باز است. برای این‌که تعیین تکلیف نهایی برای خط زندگی اتفاق نخواهد افتاد، بنابراین در ساختار بیوگرافی احتمال پایان باز بیشتر و منطقی‌تر است؛ البته پایان باز به معنای این‌که به بعضی از سوال‌ها جواب داده می‌شود و به بعضی از سوالات جواب داده نمی‌شود. اگر بخواهیم چنین پایانی هم انتخاب کنیم نباید سراغ پایان ولنکارانه و رهاشده برویم چون چنین پایان‌هایی نه‌تنها به کار آسیب فراوان وارد می‌کند بلکه باعث می‌شود مخاطب هم سردرگم اثر شود؛ بنابراین باید برای پایان باز هم منطق و اصولی در نظر بگیریم و صرفاً رهاکردن نمی‌شود پایان باز.

این فیلمنامه‌نویس اشاره می‌کند: از سوی دیگر وقتی یک داستان نمایشی با پایان دراماتیک ساخته می‌شود، علی‌القاعده به یک پایان بسته می‌رسد که تعیین تکلیف می‌شود؛ البته در این نوع پایان‌بندی هم باید اصولی را رعایت کنیم. این‌که به چه موضوعی پرداخته‌ایم و باید چگونه آن را ببندیم، ضمن این‌که باید به این نکته هم توجه کنیم که به دنبال پایان تکراری هم نباشیم. به تعبیری کار هنر محکوم‌کردن آدم‌های بد نبوده بلکه کار هنر شکافتن دلایل اعمال بد است اما این‌که در اغلب سریال‌های ما پایانشان رها می‌شود و در یک قسمت همه چیز جمع می‌شود، ضعف نویسنده است.



سریال پایتخت

می‌گوید: به نظر من بحث پایان کار نیست؛ بحث اسکلت خود فیلمنامه است. شما در برخی از فیلمنامه‌ها می‌بینید که موضوع خیلی قوی مطرح می‌شود اما پایانش حتی برای خود فیلمنامه‌نویس کاملاً مشخص نیست. بنابراین این مساله بیش از این‌که به ظرافت‌های کار مربوط شود، به اساس کار برمی‌گردد که داستان ممکن است شروع قوی داشته باشد اما چون پایان کار نتوانسته با آنچه در ذهن فیلمنامه‌نویس یا مجموعه سازندگان ازجمله کارگردان و تهیه‌کننده هماهنگ در بیاید داستان را به آن سرانجام رساندن ولی از طرفی دلشان هم نیامده از نقطه قوت فیلمنامه که شروع آن است، بگذرند که در اینجا کار دچار یک تضاد می‌شود.

وی با ذکر مثالی توضیح می‌دهد: خاطرم هست در ماه رمضان داستانی خیلی قوی شروع شد و به عنوان مخاطب تصور می‌کردم که تا انتها بتواند همین‌گونه قوی پیش برود. اما پایانش کاملاً تو ذوق می‌زد و به قوی بودن شروعش نبود. بنابراین اگر می‌خواستند داستان را از همان ابتدا در دو خط تعریف کنند خودشان هم دچار مشکل می‌شدن. از این رو این نکته بیش از این‌که به انتهای کار برگردد، به ساختار اولیه آن فیلمنامه برمی‌گردد که در ذهن نویسنده و سازندگان بوده است. بنابراین من می‌بینم داستان‌هایی را که در آغاز ایده خوبی دارد اما در انتها جمع‌بندی خوبی ندارد.

این تهیه‌کننده در پایان هم بیان می‌کند: بیشترین مشکل همین است که در ذهن ایده خوبی شکل گرفته اما در طول کار نتوانسته به‌خوبی پرداخته شود و آن سرانجامی که باید داشت را ندارد. به نظر من از روز اول که فیلمنامه تایید می‌شود این مساله قابل پیش‌بینی است. نکته دیگری که در این بحث وجود دارد این است که گاهی ما مخاطب را فریب می‌دهیم. یعنی برای این‌که ایجاد جذابیت کنیم، ماجراجویی را وارد متن می‌کنیم که برای مخاطب ایجاد توقع می‌شود و علاقه‌مند به پیگیری آن می‌شود اما چون فیلمنامه برایمان کاملاً پخته نیست، باعث می‌شود در انتها نتوانیم جمעش کنیم. یعنی داستان متناسب پیش نرفته و بخش اولش نتومند و فربه است و مخاطب در ابتدا فیلمنامه قوی را می‌بیند ولی در انتها مخاطب را فریب می‌دهیم و جمع‌بندی درستی نداریم که همین فریب دادن مخاطب به لحاظ اخلاقی کار درستی نیست.

فرهنگی بروید ممکن است شعار داده باشیم. خواستیم به این ترتیب از عوامل فیلم‌ها دعوت کنیم و با مخاطب فیلم ببینیم تا اتفاقی فرهنگی را رقم زده باشیم. اولین انتخاب ما هم فیلم «پوست» بود که قبل از «قهرمان» اگرانش آغاز شد و با این‌که چهره معروفی نداشت اما شروع خوبی هم داشت.

نگاهی به چگونگی پایان‌بندی سریال‌ها

سرانجام‌های هنرم



یادتان هست در پایان قصه‌هایی که برابمان می‌خواندند، می‌شنیدیم «قصه‌ها به سر رسید، کلاغه به خورش نرسید؟» یا نگاهی ساده به این عبارت شعرگونه و کودکانه، می‌توان پیام بسته‌شدن ماجرا را ضمن ظرافت‌هایی برای باز گذاشتن راهی برای امکان ادامه‌یافتن آن دریافت. سال‌ها همین روند برای سریال‌سازی‌ها را شاهد بودیم اما مدتی است شاهد این هستیم که پایان باز نسبت به گذشته رو به افزایش است؛ پایان‌هایی که شاید برخی از آنها فقط تزیین خودساخته از انتهای باز قصه‌ها دارند ولی از تعریف اصلی آن دور هستند و به راهی و بی‌سروسامانی قصه شباهت بیشتری دارند.

مرز سیاه‌نمایی و مطالبه‌گری

پس از انقلاب اسلامی و براساس بیانات امام خمینی (ره)، تلویزیون دانشگاه عمومی خوانده شد. در حکم رهبر معظم انقلاب برای منصوب کردن دکتر جلیلی در جایگاه ریاست سازمان صداوسیما نیز بیان شد: «رسانه باید چهار جایگاه آسایشگاه، آوردگاه، قرارگاه و دانشگاه را داشته باشد» بنابراین برای رسیدن به این مقصود باید همه استعدادها و ظرفیت‌ها را برای بهره برداری، شناسایی کنیم. به این ترتیب و با وام گرفتن از این تاکیدات، لازم است تلویزیون در آثار نمایشی خود نیز با در رأس قرار دادن این مسؤولیت‌ها سعی کند ضمن بیان قصه‌هایی جذاب و گیرا که مخاطبان را با خود درگیر می‌کند به طرح موضوع‌های اساسی بپردازد که مطالبه‌گری را در پی دارد. دکتر جلیلی هم در بازدیدهایش، اشاره‌ای ضمنی به این موضوعات داشت و بیان کرد: «هر سریالی که تولید می‌شود باید بازی از مشکلات کشور اعم از فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و... را بردارد. اگر نتواند بردارد، حتماً به اهداف خود نرسیده است.» طرح موضوع‌های اساسی و همچنین نرفتن به سوی سیاه‌نمایی، مطلوبی است که باید با ظرافت به شکل‌گیری آن پرداخت. در این شکل‌گیری پایان‌بندی مناسب نقش مؤثری خواهد داشت و کشتی‌ای که گروه سازنده ماه‌ها یا سال‌ها برای رساندن مفهومی به مخاطب آن را هدایت کردند را به منزل می‌رساند. به این صورت است که صداوسیما را یکی از ابزارها و ظرفیت‌هایش یعنی سریال‌های نمایشی نیز برای رسیدن و ماندگاری در چهار جایگاه اصلی خود به درستی بهره می‌برد.

محمد کامبیز دارابی، تهیه‌کننده‌ای است که اخیرا سریال افرا را روی آنتن شبکه یک داشت. مجموعه‌ای تلویزیونی که می‌شود گفت باوجود مطالبه‌گری بیان موضوعی حساس و مورد توجه رسانه‌های داخلی و خارجی که همان مشکلات محیط‌بانان است؛ سیاه‌نمایی هم نداشت. دارابی درباره پایان‌بندی‌ای که قصه را به نتیجه مشخص برساند و از تبدیل شدن اثر به کاری در خدمت سیاه‌نمایی دوری کند، می‌گوید: مرز میان سیاه‌نمایی و مطالبه‌گری خیلی باریک است و عوامل سازنده باید بسیار هوشمندانه عمل کنند، زیرا با یک اشتباه کار به سمت سیاه نمایش گرایش پیدا می‌کند. می‌توان مشکل اجتماعی را طرح کرد، اما به گونه‌ای قصه را طراحی کنیم که منجر به سیاهی نشود. سریال افرا موضوع



وی ادامه داد: آیتم صندوقچه هرازگاهی سراغ همکاران قدیمی می‌رود. گفت‌وگوی امین ضیایی، گوینده برنامه با عوامل قدیمی رادیو سلامت برنامه‌سازان و همکاری‌ای که قبلاً

با شبکه سلامت همکاری می‌کردند و الان یا به شبکه‌های دیگررفته یا بازنستش شدند، پخش می‌شود.

آیتم پشت صحنه شامل مصاحبه شیوا اسدی با عوامل برنامه‌ساز هنگام ضبط برنامه در تولید و هنگام پخش در استودیو برنامه‌های زنده است. آیتم عمو پستچی با اجرای منصور اسکندری که پیامک‌ها و تلفن‌های مخاطبان را پیگیری و پاسخ می‌گوید و به انتقادها و پیشنهادهای مخاطبان از طریق شماره پیامک ۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ پاسخ می‌دهد.

این برنامه روزهای چهارشنبه ساعت ۱۹و ۳۰ دقیقه از رادیو سلامت پخش می‌شود و بازیپخش آن جمعه ساعت ۱۳ است.